از گناه صغیره .

زیرا به فرض محال اگر نبی یا رسول معصوم نباشد ، فسق، گناه صغیر . گفتن دروغ از او صادر شود در دعوی نبوت او شبهه پیدا میشود . ظاهر و ثابت است هر شخصی که به گناه کردن و دروغ گفتن شناخته شود طبعا و عادتاً هر کلام او حتی کلام راست او احتمال دروغ را پیدا میکند نظر به قول نبی علیه الصلاة و السلام : (من عرف بالکذب قصد قد یکون کذبا .)

ترجمه : کسیکه به دروغ شناخته شود پس راست او هم دروغ است .

درصورتیکه نبی پیش از ظهور نبوت معصوم نباشد گناه ، فسق و دروغ از او صادره شده باشد وقتی که نبی شود و وحی برایش نازل شود و دعوی نبوت را بکند هیچ شخص بروی باور نمیکند زیرا مردم گمان خواهد کرد که این دعوی رسالت او مانند کلام های سابق او دروغ باشد پس لازمی و ضروری است که پیغمبر درمابین مردم

آن شخص باشد که در بین تمام مردم مقبول و قابل اعتماد باشد تا پیروی وی کرده شود. معصومیت نبی هم باید از گناه کلان باشد و هم از گناه خورد. زیرا اگر صدور گناه کبیره تحقق یابد احتمال کفر را هم پیدا میکند و اگر گناه صغیره متحقق شود احتمال صدور گناه کبیره را پیدا می کند بلکه گناه صغیره با قصد و دوام گناه کبیره میگردد پس لازم است که انبیاءع معصوم باشد. هم قبل از نبوت و هم بعد از نبوت و هم معصوم باشد از گناه کبیره و هم از گناه صغیره

تمرین

۱ - انبیاءع چرا معصوم اند.

۲ - انبیاءع از گناه کبیره معصوم اند یا از گناه صغیره و یا چطور.

۳ - معصومیت انبیاءع بعد البعثت است و یا قبل البعثت و یا چطور.

دلائل اثبات رسالت محمد صلی الله علیه وسلم

الله تبارک وتعالیٰ به اساس علم، حکمت و قدرت خود برای اثبات پیغمبری هر پیغمبر دلایل را عطا فرموده است تا اشخاصیکه دل های شان از عناد، غرور، تکبر و فساد خالی وپاک باشد . به اساس این دلایل بدانند که این شخص پیغمبر است مخالفین وعنادکنندگان از مقابلهٔ آن عاجز بمانند . در دل کدام شخص که فساد وعناد جای گرفته باشد تعلیم راه حق بر او کدام تاثیر نمی بخشد بلکه حق برایش باطل وناموزون معلوم می شود .

برای اثبات رسالت محمد صلی الله علیه وسلم دلایل زیاد وجود دارد که بعضی از آن ها معجزات محمد صلی الله علیه وسلم است و در اینجا یک معجزه طور نمونه ذکر می شود .

قرآن کریم :- قرآن کریم یکی از معجزه های حضرت محمد صلی الله علیه وسلم است که تا روز قیامت اعجاز او باقی و هیچ کس نمیتواند

که به اندازهٔ کوچکترین سورهٔ او یک سوره را بسازد که با قرآن کریم در فصاحت ، بلاغت و اخبار بالغیب مشابهت داشته باشد . تمام علمای دنیا از معارضه و مقابلهٔ قرآن کریم عاجز استند قرار یکه از این آیهٔ مبارک معلوم می شود .

وَ اِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِنْ مِثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ اِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ٥ .

ترجمه : اگر شما در شک باشید از اینکه ما بر بندهٔ خود محمد صلی الله علیه وسلم نازل کردیم کتاب را پس بیارید یک سورهٔ کوچک را و بخواهید معاونین خود را غیر از خدا (ج) اگر راست باشید (در کلام خود) .

از این آیه مبارکه ثابت می شود که محمد صلی الله علیه وسلم پیغمبر و قرآن کریم معجزهٔ وی میباشد .

۲ - دلیل دوهم برای اثبات نبوت محمد صلی الله علیه وسلم که در این کتاب

ذکر میشود اخبار انبیای سابق است که در باره نبوت محمد صلی الله علیه وسلم ذکر شده است .

انبیای سابق این اخبار را از کتاب های بیان میکردند که از جانب خدا ﷻ برای شان داده شده بودند مثل تورات و انجیل که دربارهٔ رسالت اوصاف وقیافه حضرت محمد صلی الله علیه وسلم بیانات خوب داشت و علمای آن کتب محمد صلی الله علیه وسلم را به صفت پیغمبر خوب می شناختند قرآن کریم برآن شاهد است .

وَ اِذْ قَالَ عِیسَیٰ ابْنُ مَرْیَمَ یَا بَنِی اِسْرَائِیلَ اِنِّی رَسُولُ اللّٰهِ اِلَیْکُمْ مُصَدِّقاً لِمَا بَیْنَ یَدَیَّ مِنَ التَّوْرَاةِ وَ مُبَشِّراً بِرَسُولٍ یَأْتِی مِنْ بَعْدِی اسْمُهُ اَحْمَدُ ط

ترجمه : یاد کن ای محمد ﷺ وقتی را که گفت عیسیٰ بچه مریم ای اولاد اسرائیل ما برایتان رسول خدا استم درحالیکه تصدیق کنندهٔ آنچه استم که پیش من

است که عبارت از تورات است و بشارت دهنده استم به پیغمبری که بعدازمن می آید که نام او احمد است :

اعجاز قرآن کریم و اخبار فوق از جمله دلایل مهم اثبات رسالت محمد صلی الله علیه وسلم می باشد .

تمرین

۱ - چرا برای پیغمبر دلیل اثبات پیغمبری داده شده است ؟

۲ - برای اثبات نبوت محمد صلی الله علیه وسلم یک معجزهٔ آن را ذکر نمائید ؟

۳ - یک قول عیسیٰ (ع) ، را بیان کنید که برای بنی اسرائیل باشد و نبوت محمد صلی الله علیه وسلم از آن ثابت شود .

عمومیت رسالت محمد صلی الله علیه وسلم

حضرت محمد صلی الله علیه وسلم از جانب خداوند برای همه مردم به صفت پیغمبری فرستاده شده است به عرب یا کدام قوم دیگر خصوصیت ندارد. مثل که از آیات آتی معلوم میگردد.

۱- وَمَا اَرْسَلْنَاكَ اِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ بَشِيْرًا وَّ نَذِيْرًا وَّ لٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُوْنَ ۝.

الله تبارک و تعالی برای محمد ص، می فرماید:

ترجمه: و نه فرستادیم ترا مگر برای مردم بشارت دهنده و ترساننده لاکن اکثر مردم نمیدانند.

۲- قُلْ يَا اَيُّهَا النَّاسُ اِنِّيْ رَسُوْلُ اللّٰهِ اِلَيْكُمْ جَمِيْعًا ط

ترجمه: بگو (ای محمد) ای مردم به تحقیق ما برای همه تان پیغمبر خدا هستیم.

۳- وَاُوْحِيَ اِلَيَّ هٰذَا الْقُرْاٰنُ لِاُنْذِرَكُمْ بِهٖ وَمَنْ بَلَغَ ط

ترجمه : وحی کرده شده برایم این قرآن که بترسانم به قرآن شما وکسی را که قرآن برایش برسد .

در آیات فوق از (کافة للناس) و (الیکم جمیعاً) صراحتاً معلوم می شود که محمد صلی الله علیه وسلم برای تمام انسانها به صفت پیغمبری فرستاده شده است . هم چنین از آیه سوم از (من بلغ) ثابت می شود که محمد صلی الله علیه وسلم برای تمام انسانها و جنیات جهان پیغمبر است زیراکه قرآن درهر کنج وکنار رسیده است پس انسان وجن که در هر جا باشند قرآن کریم برای شان رسیده است و باحکام قرآن مکلف هستند و اثبات رسالت محمد صلی الله علیه وسلم برای جنیات از سورهٔ جن هم معلوم می شود .

تمرین

۱ ـ رسالت محمد صلی الله علیه وسلم برای تمام مردم است و یا بکدام قوم تخصیص دارد ؟

۲ ـ دربارهٔ عمومیت رسالت محمد صلی الله علیه وسلم یک آیهٔ کریمه بیان نمائید ؟

ختم سلسلهٔ نبوت بر حضرت محمد صلی اللہ علیہ وسلم

در دنیای فانی برای هر شی ابتداء و انتها تعین شده است . ابتداء نبوت بحضرت آدم علیه السلام شروع و بحضرت محمد صلی اللہ علیہ وسلم ختم شده است . برای محمد صلی اللہ علیہ وسلم از طرف خداوند دستور العمل دائمی (قرآن کریم) داده شده است قرآن کریم باتمام واقعاتیکه تا روز قیامت تحقق میابد مطابقت دارد . از هرقسم تغیر، تبدیل و تحریف محفوظ است . الله (ج) نگهبانی قرآن را به ذمهٔ خود گرفته است که از آیهٔ (اِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَاِنَّا لَهُ لَحَافِظُوْنَ ۝) معلوم میگردد .

ترجمه : به تحقیق ما ذکر (قرآن) را نازل کرده ایم و ما نگهبانش می باشیم .

از بیان فوق معلوم می شود که بعد از پیغمبری محمد صلی اللہ علیہ وسلم بفرستادن دیگر پیغمبر، هیچ ضرورت نیست و آیه مبارک الی صراحتاً به ختم نبوت دلالت می کند .

مَا كَانَ مُحَمَّدٌ اَبَا اَحَدٍ مِّنْ رِّجَالِكُمْ وَلٰكِنْ رَّسُوْلَ اللّٰهِ

وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللّٰهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيماً ٥

ترجمه : محمد (ص)، پدر حقیقی یکی از مردان شما نیست لاکن رسول خدا و خاتم الانبیاء است ، سلسله نبوت باین ختم شده است . و خدا بر هر شی دانا و عالم است.

حدیث شریف : حدثنا انس بن مالک قال قال رسول الله اِنَّ الرِّسَالَةَ وَالنُّبُوَّةَ قَدِ انْقَطَعَتْ فَلَا رَسُوْلَ بَعْدِیْ وَلَا نَبِیَ بَعْدِیْ - رواه مسلم.

ترجمه : از انس بن مالک (رض) روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است : به تحقیق رسالت و نبوت قطع شده بعد از من نه رسول است و نه نبی .

از دلایل فوق ثابت می شود که سلسلهٔ نبوت به حضرت محمد صلی الله علیه وسلم ختم شده ، دیگر پیغمبر فرستاده نمی شود ، اگر کسی پیدا شود که دعوی پیغمبری را بنماید - دروغگوی می باشد .

وحضرت عیسیٰ (ع) که در وقت آخر از آسمان پایان می شود برای مردم شریعت محمدی را تبلیغ و تعلیم می نماید .

ضرورت به پیغمبر

آن شخص که از طرف خداوند جل جلاله برای رهنمائی بشر فرستاده شده باشد پیغمبر گفته میشود. بشر برای پیغمبر احتیاج زیاد دارد. برای اثبات مدعائی مافوق دلایل ذیل ذکر میشود:

۱- ثابت و مبرهن است که تمام موجودات یک خالق و مربی دارد، خالق و مربی ایشان الله ﷻ است.

بشر برای برابر ساختن امور زندگانی و دفع کردن شر و فساد برای یک قانون ضرورت دارد تا در حدود آن طلب خیر و دفع فساد نماید بعضی امور طوری میباشد که بواسطهٔ عقل انسان درک شده نمیتواند مانند روز قیامت، وزن اعمال، حساب، جنت، دوزخ وغیره.

تمرین

۱ـ بعد از محمد صلی الله علیه وسلم پیغمبر دیگر فرستاده می شود و یا نه ؟

۲ـ یک آیه مبارکه را ذکر نمائید که بر ختم سلسلهٔ نبوت دلالت کند ؟

فضیلت محمد صلی الله علیه وسلم بر سائر انبیاء

باساس آیهٔ مبارک (تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ)

ترجمه : بعض انبیاء را بر بعض شان فضیلت داده ایم .

بعضی انبیاء بر بعض دیگر شان فضیلت دارند ، درجملهٔ انبیاء ، محمد مصطفی بر همه انبیاء ، بهتر حتی از تمام مخلوقات به نزد خدا محبوب تر می باشد .

فضیلت و بهتری محمد صلی الله علیه وسلم از آیهٔ مبارک معلوم می شود .

اَلْيَوْمَ اَكْمَلْتُ لَكُمْ دِيْنَكُمْ وَاَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِيْ

وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا ط

ترجمه : امروز برای شما دین تانرا مکمل کرده ام و نعمت خود را بالای تان پوره نمودم و دین اسلام را برای تان مختار نمودم .

از اکمال و بهتری دین محمد (ص)، معلوم می شود که مرتبه اش هم بنسبت دیگر انبیا ، بلند تر است . از احادیث ذیل نیز فضیلت محمد (ص)، بالای انبیاء ثابت می شود .

۱ـ حدیث شریف :

(إِنَّ اللّٰهَ فَضَّلَنِيْ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ وَ فَضَّلَ أُمَّتِيْ عَلَى الْأُمَمِ)

ترجمه : به تحقیق الله تبارک و تعالی مرا فضیلت داده بر تمام انبیاء وفضیلت داده امت مرا بر سایر اُمم .

۲ـ حدیث مسلم شریف است که نبی علیه السلام فرموده است :

أَنَا سَيِّدُ النَّاسِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ ه

ترجمه : من در روز قیامت سردار مردم می باشم .

پس انبیاء که از جملهٔ مردم هستند سردار آنها هم می باشد . و این ظاهر فضیلت است .

۳ - حدیث ترمذی شریف که نبی علیه السلام فرموده است :

(اَنَا اَکْرَمُ الْاَوَّلِیْنَ وَالْاٰخِرِیْنَ عَلَی اللّٰهِ وَلَا فَخْرَ)

ترجمه : من مکرم تر اولین و آخرین به نزد خداج هستم وفخر نیست برایم .

محمد صلی الله علیه وسلم از نفس خود چیزی را نمی گوید ، هرچه که می گوید از طرف خدا برایش وحی شده می باشد نظر به آیه مبارک :

(وَمَا یَنْطِقُ عَنِ الْهَوٰی اِنْ هُوَ اِلَّا وَحْیٌ یُّوْحٰی)

ترجمه : محمد صلی الله علیه وسلم از نفس خود چیزی را نمی گوید ، نیست کلام محمد (ص) مگر وحی است که برایش وحی کرده می شود .

از بیان فوق به صراحت معلوم می شود که درجه و مرتبه محمد (ص) بالای دیگر انبیاء (ع) فوق و بلند تر می باشد .

- تمرین -

۱ - انبیاء علیهم الصلوة والسلام در مراتب و درجه یک برابر هستند ویا فرق دارند ؟

۲ - در مابین انبیاء(ع) درجه و مرتبه کدام پیغمبر(ع) بلند تر است ؟

۳ - یک آیهٔ مبارک را ذکر نمائید که از آن فضیلت محمد(ص) معلوم می گردد ؟

۴ - یک حدیث شریف را در باره فضیلت محمد(ص) بیان کنید ؟

کرامت اولیاء

کرامت : امر خارق العادهٔ که از شخص موافق شریعت غیر مدعی نبوت صادر شود کرامت گفته می شود . درحقیقت کرامت ولی معجزهٔ پیغمبران ولی می باشد زیراکه واقعیت شریعت آنرا ثابت می نماید .

برای اثبات کرامت اولیاء دلائل آتی ذکر می شود :

۱ - مضمون حدیث بخاری شریف است که از حضرت انس(رض) روایت

شده است که حضرت اسید ابن حضر و حضرت عباد بن بشر هر دو با حضرت محمد(ص) درباره کدام حاجت شان سخن می گفتند تا که یک حصه شب گذشت وخوب تاریک شد از حضور محمد(ص) رخصت شدند که بخانه های خود بروند ، در دست هر یک شان عصاء بود ، عصائی یکی برای هر دو روشنی کرد به سبب آن روشنی به راه می رفتند تا که راه خانه یکی از دیگر جدا شد بعداً برای هریک عصائی خودش روشنی می کرد تا که به خانه رسیدند ، روشنی عصاء شان کرامت شان می باشد .

۲- حدیث شریف :

از ابن عمر(رض) روایت شده است که حضرت عمر(رض) یک لشکر را به یکجا ارسال نمود ویک شخص را بنام ساریة آمر لشکر مقرر نمود ، چندی بعد حضرت عمر(رض) بر سر منبر خطبه می خواند ناگاه صدا کرد : (یا ساریة الجبل) بعداً از همان لشکر یک فرستاده شده بحضور حضرت عمر(رض) رسید و عرض واقعه کرد . گفت یا امیر المؤمنین ما که با دشمن روبرو شدیم شکست

خوردیم ، ناگاه صدائی را شنیدیم (یا ساریة الجبل) به سبب شنیدن آواز (یا ساریة الجبل) بکوه متوجه شدیم خداوند متعال کامیابی را نصیب ما کرد و دشمن شکست خورد .

معلوم شدن اوضاع لشکر بحضرت عمرؓ و شنیدن و فهمیدن لشکر آواز حضرت عمرؓ را از فاصلهٔ که عقلاً درک آن نمی شود برای اثبات کرامت دلیل روشن است .

۱- حدیث : عن انس ان اُسَیْدَ بن حُضَیْر و عباد بن بشر تحدثا عند النبیؐ فی حاجة لهما حتی ذهب من اللیل ساعة فی لیلة شدیدة الظلمة ثم خرجا من عند رسول اللهؐ ینقلبان و بید کل واحد منهما عصیة فأضاءت عصا احدهما لهما حتی مشیا فی ضوءها حتی اذا افترقت بهما الطریق اضاءت للاخر عصاه فمشی کل واحد منهما فی ضوء عصاه حتی بلغ اهله . رواه البخاری .

(تمرین)

۱ ـ کرامت را تعریف نمائید ؟

۲ ـ کرامت از که صادر می شود ؟

۳ ـ برای اثبات کرامت یک دلیل را واضح سازید ؟

---

۲ ـ حدیث : عن ابن عمر (رض)، ان عمرؓ بعث جیشا وامر علیهم رجلاً یدعی ساریة . فبینما عمرؓ یخطب فجعل یصیح (یا ساریة الجبل) فقدم رسول من الجیش فقال یا امیر المؤمنین لقینا عدونا فهزمونا . فاذا بصائح یا ساریة الجبل فاسندنا ظهورنا الی الجبل فهزمهم الله تعالی . رواه البیهقی فی دلائل النبوة .

مراتب صحابهٔ کرام

صحابی کسی را گویند که با حضرت محمد صلی اللہ علیہ وسلم در حالت ایمان صحبت کرده باشد و باقی عمر خود را با ایمان سپری کرده باشد .

مراتب و درجهٔ صحابهٔ کرام بالای تمام امت دیگر بلند تر می باشد در حدیث شریف ذکر است که با صحابی اگر کسی صحبت کرده باشد آتش دوزخ او را مس نمی کند ، از دیدن صحابی این قدر فضیلت حاصل می شود .

(الا تمس النار مسلما رانی او رأ من رأنی)

ترجمه : نمی رسد آتش به مسلمانیکه مرا دیده باشد و یا دیده باشد کسی را که مرا دیده باشد .

(اصحابی کالنجوم بایهم اقتدیتم اهتدیتم)

ترجمه : نبی کریم صلی اللہ علیہ وسلم فرموده است که اصحاب من مانند ستاره ها هستند (هریکی شان روشنی دین است) به هریکی از ایشان که

اقتداء کردید راه یاب می شوید .

مسلمان باید همه اصحاب نبی کریم صلی الله علیه وسلم را بنامهای خوب و الفاظ خوب ذکر کرده واز بدگفتن خود داری نماید .

اگر کدام شخص در بارهٔ صحابه کرام بدگوئی میکند در مقابلش گفته شود (لعنة الله علی شرکم) . زیرا که نبی علیه السلام فرموده است : (عن ابن عمرؓ قال قال رسول اللهؐ اذا رایتم الذین یسبون اصحابی فقولوا : لعنة الله علی شرکم .)

از حضرت عمرؓ روایت است که نبیؐ فرموده است :

وقتیکه شما دیدید اشخاصیرا که به صحابه من دشنام می گوید پس بگوئید (لعنة الله علی شرکم) .

از جملهٔ اصحاب نبی اکرم صلی الله علیه وسلم ده (۱۰) نفر آن بنام عشرهٔ مبشره یاد می شود که در دنیا برای شان بشارت (مژدهٔ) جنت داده شده است . نامهای شان قرار ذیل هستند :

۱ - حضرت ابو بکر (رض)، ۲ - حضرت عمر فاروق (رض)

۳ - حضرت عثمان (رض)، ۴ - حضرت علی (رض)

۵ - حضرت طلحہ (رض)، ۶ - حضرت زبیر (رض)

۷ - حضرت سعد بن وقاص (رض)، ۸ - حضرت عبدالرحمٰن بن عوف (رض)،

۹ - حضرت ابو عبیدہ بن جراح (رض)، ۱۰ - حضرت سعید بن زید (رض)

به بعض اصحاب دیگر نبی علیہ السلام هم بشارت جنت داده شده است مانند : حضرت خدیجہ (رض)، حضرت عایشہ (رض)، حضرت جعفر (رض) وغیره .

ده نفر فوق به بشارت جنت شهرت یافته است زیرا که جمعاً در یک حدیث شریف ذکر شده است .

پس ضروری است که از جانب الله (ج)، یک قانون
فرستاده شود تا مردم خیر خود را مطابق آن طلب نمایند.
قانون خدا (ج) که از طرف کدام شخص برای مردم بیان می شود آن
شخص را پیغمبر می گوید برای اثبات پیغمبری از طرف خداوند (ج)
برایش دلائل واقعی داده شده میباشد که آن را معجزه می
گویند. غرض وضاحت مطلب فوق گفته می توانیم.
طیاره، موتر و بعضی اشیای دیگر که از طرف مردم
ساخته شده است اگر طریقه استعمال آنها از طرف مخترع
آن تعلیم داده نشود دیگر اشخاص طریقه استعمال آن را نمی
دانند. اگر بدون تعلیم استعمال شود ممکن به نقصان کلان
منفضی گردد.
دنیا و تمام موجودات دنیا را الله (ج) پیدا نموده
است اگر از طرف خداوند (ج) امور خیر و شر آنها برای مردم

(تمرین)

۱ ـ صحابی تعریف شود .

۲ ـ ما باید درباره صحابه کرام چه رقم عقیده داشته باشیم ؟

۳ ـ چند نفر صحابهٔ کرام را در حیات شان بشارت جنت داده شده است ؟

۴ ـ عشرهٔ مبشره کدام صحابهٔ کرام هستند نامهای شان ذکر شود ؟

۵ ـ اگر کدام شخص در بارهٔ صحابه کرام بدگوئی کند مسلمان حاضر چه بکند ؟

معجزه ، کرامت ، سحر ، استدراج

معجزه : آن خارق العاده امر را می گویند که به سبب آن صدق مدعی نبوت ثابت می شود و خصم از مقابله آن عاجز می باشد .

شرایط معجزه :

۱ - بودن امر خارق العاده که خصم از مقابله اش عاجز باشد .

۲ - امر خارق العاده امری باشد که تصدیق پیغمبر را کرده بتواند مانند کلام حیوانات وغیره .

۳ - امر خارق العاده شخصاً از طرف مدعی نبوت صادر شود .

۴ - امر خارق العاده مطابق دعوی مدعی نبوت باشد .

۵ - امر خارق العاده تکذیب مدعی نبوت را نکند مانند کلام حیوانات که مدعی نبوت را کاذب نگوید .

۶ - امر خارق العاده قبل از دعوی نبوت نباشد .

کرامت : امر خارق العاده را می گویند که از طرف شخص موافق

شریعت که مدعی نبوت نباشد ظاهر شود ، مقصود از کرامت الزام خصم نیست بلکه مقصود کرامت تنها تکریم و تشریف می باشد.

فرق بین معجزه و کرامت :

۱- مرام و مقصود در معجزه الزام خصم و در کرامت فقط تکریم می باشد.

۲ - ظاهر کردن معجزه امر ضروری و واجب می باشد اما در کرامت پوشاندن بهتر است

۳ - کرامت بصورت ناگهانی بدون قصد صادر می شود حتی می شود که وی به صدور کرامت خود هیچ نه فهمد لاکن معجزه بصورت دانستن و قصد کردن پیغمبر به قدرت خداوند ظاهر می شود .

سحر :- یک فنی است که ذریعه تعلیم و تعلم حاصل می شود .

قرآن کریم هم باین موضوع اشاره کرده است :

وَلَٰكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ ۝

باسحر مقابله شده می تواند حتی می شود که یک ساحر سحر دیگر را باطل سازد.

سحر کدام حقایت و واقعیت ندارد بلکه یک چیز تخیلی می باشد ازهمین جهت بقاهم ندارد مثلیکه از آیة مبارک فهمیده می شود .

يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَىٰ ط

سحر بمقاصد دنیوی وخواهشات نفسانی بکار انداخته می شود . از بیان فوق فرق سحر با معجزه وکرامت واضح معلوم می شود .

استدراج :- امر خارق العاده را می گویند که از طرف یک شخص فاسق ، فاجر و مخالف شریعت صادر شده باشد اگر در تعریف استدراج نظر انداخته شود فرق اش با معجزه ، کرامت وسحر کاملاً معلوم می شود .

(تمرین)

۱ - معجزه تعریف شود .

۲ - اصل مقصود در معجزه چه می باشد ؟

۳ - پیغمبر معجزه را بپوشاند و یا بظاهر کردن آن مُوظف است ؟

۴ - تعریف کرامت ذکر شود .

۵ - معجزه با کرامت چه فرق دارد ؟

۶ - سحر تعریف شود .

۷ - سحر واقعیت دارد و یا نفس تخیل است ؟

۸ - استدراج را تعریف نمائید ؟

ملائک نکیر و منکر

از احادیث ثابت و معلوم می شود که نکیر و منکر دو ملک هستند که برای بنده در قبر حاضر می شود و از بنده می پرسند : رب تو که است ، دین تو چه است و نبی تو که می باشد .

بنده مؤمن واقعی و دوست خدا بتوفیق خداوند بجواب صحیح و درست قادر می شود و میگوید :

رب من الله ج ، دینم اسلام و نبیم حضرت محمد صلی الله علیه وسلم می باشد .

شکل محمد صلی الله علیه وسلم برایش ظاهر و پرسیده می شود که در بارهٔ این شخص چه می گوئی ؟

بندهٔ مؤمن درجواب می گوید : ما شاهدی می دهم که این بنده خدا ج و رسول برحق خدا ج می باشد . در قبر اول جای دوزخ برایش آشکارا می شود و بعداً جنت . و برایش گفته می شود که الله تبارک و تعالی شما را از دوزخ نجات داده و جنت را نصیب تان کرده است .

به نجات از دوزخ و کامیابی جنت خوشی برایش حاصل می شود.

بندهٔ کافر در جواب سوالهای فوق می گوید نمیدانم. و منافق در جواب می گوید: می گفتم آنچرا دیگران می گفتند.

پس کافر و منافق در قبر از طرف ملک بگرز آهنین بزدن سخت زده می شود. با اندازهٔ چیخ و فریادش می برآید که بدون انسانها وجنیات دیگر همه مخلوقات آنرا می شنود.

عذاب قبر

هرکسی که بمیرد در قبر گور شود، حیوانات آن را بخورد، در آتش بسوزد و یا بمرگ دیگر، حصهٔ عذاب قبر برایش می رسد. خلاصه عذاب قبر مختص به قبر نیست و نسبت عذاب که به قبر شده است نظر به اکثریت که اکثر مردم در قبر گور می شود اما درحقیقت این عذاب، عذاب عالم برزخ می باشد.

دربارهٔ عذاب قبر احادیث متعددی ذکر شده است واز مفهوم

یک جزء حدیث که در فوق ذکر شده (زدن به گُرز آهن) عذاب قبر ثابت می شود. خلاصه عذاب قبر هست و حق است اگرچه عقول کیفیت و ماهیت آنرا درک کرده نمیتواند.

حدیث: از حضرت ابن عباس رض روایت است که رسول خدا ص بر دو قبر می گذشت و فرمود این هر دو به تکلیف هستند، عذاب اینها به سبب کدام گناه کلان نیست بلکه یکی از آنها از بول خود را نگه نمی کرد و دیگرش نمامی می کرد (سخن یکی را بدیگری می برد). رسول خدا ص یک خمچه تازهٔ را خواست و دو حصه کرد یک، یک حصهٔ آنرا بر هر قبر ماند و گفت تا که این چوب ها خشک نشده باشد امید است که الله تبارک و تعالی عذاب آنها را کم فرماید.

تمرین

۱- نکیر و منکر چه قسم ملائک می باشند ؟

۲- نکیر و منکر در کجا برای بنده حاضر می شوند ؟

۳- نکیر و منکر از بنده در قبر چه می پرسند ؟

۴- در باره محمد صلی الله علیه وسلم که در قبر از مؤمن سوال شود ، مؤمن چه جواب می گوید ؟

۵- اگر کدام شخص در قبر گور نشود . مرغان و یا دیگر حیوانات اورا بخورد عذاب قبر برایش هست و یا نه ؟

۶- یک دلیل اثبات عذاب قبر را ذکر کنید ؟

قیامت

ثابت است که بعد از تغیر کلی و هلاکت این دنیای فانی یک روز دیگر آمدنی است . که در آن روز به تمام مردم مکافات و مجازات

اعمال نیک و بدشان داده می شود . این روز بنام روز قیامت یاد می شود ، آمدن روز قیامت در قرآن کریم چند جا ذکر شده ، یک نمونهٔ از آنها قرار آتی ذکر می شود (اِنَّ السَّاعَةَ لَاٰتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا)

ترجمه : به تحقیق روز قیامت آمدنی است ، هیچ شک در آن نیست .

از جانب اسرافیل(۱) در صور دو دفعه نفخه کرده می شود ، به نفخهٔ اول ساز و سامان دنیائی فانی خراب و ارواح تمام ذی روح طوری قبض می شود که یکی برای دیگر وصیت قدری هم کرده نمیتواند و نه بخانهٔ خود برگشته می تواند درهرجای که باشد درهمان جا می میرد .

به نفخهٔ دوم همه مردم از قبرهای خود بحضور خداوند ج می دوند .

عقل هم تقاضا می کند که بغیر ازین دنیای فانی باید یکروز دیگر موجود باشد که در آن روز پرسان مظلوم شود و بظالم جزا عمل اش داده شود .

همراه هر شخص محاسبهٔ اعمال شود تا عدل و انصاف ظاهر گردد . در بدل

تعلیم داده نشود و بدون تعلیم کارهٔ انجام شود به هلاکت رو برو خواهد گردید پس از روی لطف و مهربانی الله (ج) قانون خیر و بهبود دنیا و آخرت را بواسطه پیغمبر برای مردم ارسال فرمود تا مردم خیر خود را مطابق قانون طلب نمایند و از هلاکت نجات یابند .

۲ - اگر از طرف الله (ج) برای مردم پیغمبر فرستاده نمی شد و پیغمبر راه خیر و شر را برای شان بیان نمی نمود مردم سرکش و گنهکار در روز قیامت در وقت حساب اعمال شان در حضور خداوند (ج) عذر و بهانه جوئی می کردند و میگفتند ای الله (ج) ما موجب رضا و قهر شما را نمی شناختیم برای ما قانون و پیغمبر ارسال می نمودی راه رضا و قهر خود را برای مایان بیان می فرمودی ما هیچ وقت از آن قانون مخالفت نمیکردیم بلکه تام اطاعت می نمودیم .

برای اینکه این چنین اشخاص را در روز قیامت عذر و بهانه

نیکی مکافات و در بدل بدی مجازات داده شود.

تمرین

۱- در روز قیامت با مردم چه می شود ؟

۲- یک آیه مبارک برای اثبات روز قیامت ذکر کنید ؟

۳- اسرافیلؑ در صور چند دفعه نفخه می کند ؟

٤ - بنفخهٔ اول چه واقع می شود ؟

۵- در صورکه بار دوم نفخه شود چه متحقق می شود ؟

۱۱- مَا يَنْظُرُوْنَ اِلَّا صَيْحَةً وَّاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُوْنَ فَلَا يَسْتَطِيْعُوْنَ تَوْصِيَةً وَّلَا اِلٰى اَهْلِهِمْ يَرْجِعُوْنَ ۝

وَنُفِخَ فِي الصُّوْرِ فَاِذَا هُمْ مِّنَ الْاَجْدَاثِ اِلٰى رَبِّهِمْ يَنْسِلُوْنَ ۝

(حشر)

تقاضای حکمت الهی است که هر شخص نتیجهٔ اعمال خود را ببیند . ظالم به جزاء عمل خود برسد و با مظلوم معاونت شود .

باید تمام مردم بعد از مرگ زنده و بحضور خداوند ج جمع شوند مانند یکه در قرآن کریم ذکر شده است .

الایه :- قُلْ اِنَّ الْاَوَّلِيْنَ وَالْاٰخِرِيْنَ لَمَجْمُوْعُوْنَ اِلٰى مِيْقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُوْمٍ ۝

ترجمه : الله ج به محمد ص خطاب می کند : بگوای محمد ص) به تحقیق تمام مردم اول و آخر گذشته و آینده بالضرور یک جای در روز معین و معلوم جمع کرده می شوند .

باید بدانیم که پیدا کردن ، میراندن و باز زنده کردن تمام مردم و یا یک فرد نزد خداوند ج یک سان و هیچ فرق ندارد و هم بخداوند ج آسان و بی اشکال می باشد مانند یکه از آیه مبارک (مَا خَلْقُكُمْ وَلَا بَعْثُكُمْ اِلَّا

كَنَفْسٍ وَّاحِدَةٍ) معلوم می شود .

ترجمه : به نزد خداوند پیدا کردن و باز زنده کردن شما نیست مگر مثل مانند یک نفس زیرا که تمام امور فقط باراده خدا تعلق دارد هرچیزرا که بهتر ترتیب اراده کند به همان طور می شود مثلیکه از آیه مبارک (إِذَا أَرَادَ شَيْئاً أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ) معلوم می شود .

ترجمه : وقتیکه الله تبارک و تعالی اراده یک چیزرا بکند برایش می گوید بشو پس می شود . یعنی اگر یک چیز را اراده کند همان یک می شود و اگر تمام اشیاء را اراده کند تمام آنها طبق اراده الله می شود .

از دلائل فوق معلوم می شود که الله تعالی تمام بندگان خود را غرض حسابی اعمال شان در روز قیامت جمع می کند باهر شخص حساب می شود و برای هر شخص بنا بر عدالت و رحمت خداوند بدله اعمالش داده می شود .

تمرین

۱ـ چرا در روز قیامت اللہ ج مردم را جمع می کند ؟

۲ـ مردم اولی و آخری جدا جدا جمع می شود و یا یک جای جمع می شود ؟

۳ـ پیدا کردن یک نفس یا پیدا کردن تمام مخلوق به نزد خداوند ج کدام تغیر دارد و یا نه ؟

میزان (ترازوی عدالت خداوند ج)

اللہ تبارک و تعالی اعمال نیک و بد تمام مردم را در روز قیامت اندازه می کند، کسیکه وزن اعمال نیکش اضافه شود مستحق جنت و کسیکه وزن اعمال بدش اضافه شود مستحق دوزخ می گردد.

ان چیز که اندازه اعمال نیک و بد برآن معلوم می شود میزان نامیده می شود. این میزان (ترازو) که اللہ ج اندازه اعمال مردم را برآن معلوم

می نماید بعلم ظهور وکشف ماکیفیت وکمیت آنرا درک کرده نمی توانیم . برما فقط لازم است که به میزان بلاکیف خداوند عقیده و باور داشته باشیم.

ثبوت میزان خداوند (ج) از آیه مبارک (وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ) واضح می گردد .

ترجمه : الله تبارک وتعالی فرموده ما در روز قیامت ترازوی عدالت را می مانیم و در آیه مبارک دیگر فرموده است (فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ ٥)

ترجمه : کسیکه وزن اعمال او ثقیل (گرنگ) شود پس آنها کامیاب هستند وکسانیکه وزن اعمال آنها خفیف (سبک) شود پس آنها آنانی هستند که نفسهای خود را نقصانی کرده درجهنم جاوید می باشند.

تول اعمال مردم به انصاف و عدالت تام از جانب الله ﷻ تحقق می یابد برای هر شخص بتول اعمالش قناعت داده می شود بالای یک فرد از

افراد هم ظلم نمی شود .

هر شخص معذب می شود باندازه اعمال بدخودش و زیادت عذاب هیچ صورت نمیگیرد . همین است عین عدالت و انصاف و برای اشخاصیکه در بدل اعمال نیک شان یک برده و یا یک بر هفتصد و یا از وهم دو چند عوض داده می شود به عفوه وفضل خداوند تعلق دارد ما هم خواستار عفوه وفضل خداوند متعال می باشیم .

تمرین

۱ - میزان برای چه تیار کرده شده است ؟

۲ - ما کیفیت میزان خدا را می دانیم و یا نه ؟

۳ - عقیده ما بر میزان خداوند چه طور باید باشد ؟

۴ - دلیل اثبات میزان خداوند ذکر شود ؟

۵ - نتیجهٔ قول اعمال چه می شود ؟

پل صراط

آن پلی که بالای دوزخ ساخته بنام پل صراط یاد می شود .
قریب پل صراط یک جای است که او را ظلمت می گوید در روز قیامت
که مردم بعد از حشر و جمع جدا شوند در ظلمت داخل می شوند مثلیکه
از نامش معلوم می شود ، ظلمت جای است بسیار تاریک ، مؤمنان و
منافقین در ظلمت با همدیگر جدا و یک دیوار در مابین شان حائل می
گردد .

برای هر فرد مؤمن در ظلمت نور و روشنائی باندازه اعمال نیک اش
داده می شود (نور بعضی با ندازه کوه ، از بعض باندازه درخت خرما و کمترین
انوار آنها باندازهٔ انگشت کلان پای می باشد .)

هر فرد از مؤمن بواسطه نور و روشنی خود از ظلمت و پل صراط تیر
می شود .

بعضی مثل برق و بعضی مثل باد ، بعضی بدویدن و بعضی بزانو .

خلص تیزی و سستی رفتار و تیر شدن از ظلمت و پل صراط باندازهٔ روشنی اعمال تحقق می یابد ، مؤمنین بعد از تیر شدن پل صراط داخل جنت می شوند .

برای کفار و منافقین قدرت تیر شدن از پل صراط میسر نمی شود در دوزخ می افتند .

- تمرین -

۱ - پل صراط در کجا واقع است ؟

۲ - منافقین و مؤمنین در کجا جدا می شوند ؟

۳ - تیر شدن مؤمنین از پل صراط چه قسم می باشد ؟

۴ - بعد از تیر شدن پل صراط مؤمنین کجا می روند ؟

۵ - کفار از پل صراط تیر شده می توانند و یا خیر ؟

شفاعت

شفاعت درلغت به معنی سفارش است .

و در اصطلاح خواستن . پوره کردن حاجت شخص دیگر را شفاعت

می گوید .

از جانب خداوند متعال برای انبیاءؑ و بنده های مخلص حق شفارش

داده شده است که در بارهٔ مؤمنین گنهگار شفاعت نمایند .

مضمون حدیث شریف است که نبی کریمؐ فرموده است .

سه طایفه در روز قیامت شفاعت می کنند : ۱- انبیاءؑ ، ۲- علماء

۳- شهداء .

برای فخر الانبیا ، محمد رسول الله صلی الله علیه وسلم حق دو قسم شفاعت

داده شده است .

۱- شفاعت کبریٰ (شفاعت کلان) :- تمام مردم در روز قیامت قبل

از شروع حساب در مشکلات روز حشر گرفتار می شوند با ساس مجبوری

سخت حضور پدر کلان خود (آدمؑ) مراجعه می نمایند و از او می خواهند که حضور خداوند عرض نماید که با ما معاملهٔ حساب شروع فرماید.

حضرت آدمؑ با نها عذر خود را تقدیم کرده بحضرت نوحؑ راجع می فرمایند.

نوح علیه السلام هم عذر خود را تقدیم می کند. بعداً به ابراهیمؑ وعیسیؑ مراجعه می شود آنها هم اعذار خود را تقدیم می نمایند.

در خاتمه بحضور محمد صلی الله علیه وسلم مراجعه می شود، محمد صلی الله علیه وسلم به سجده می افتد و عذر خود را حضور ذات اقدس خداوند تقدیم می فرمایند، بامردم حساب را شروع می شود.

چون این شفاعت محمد صلی الله علیه وسلم دربارهٔ تمام مردم می باشد لذا بنام شفاعت کبریٰ یاد می شود.

۲- شفاعت درباره گنهکاران امت خود:- الله تبارک و تعالی برای محمد صلی الله علیه وسلم این عزت و افتخار را نصیب فرموده است که در بارهٔ

جوئی نباشد و بصورت تام ملزم شود قانون را بواسطهٔ پیغمبر برای مردم ارسال نمود از قرآن کریم هم این مطلب معلوم می شود .

(رُسُلاً مُبَشِّرِیْنَ وَمُنْذِرِیْنَ لِئَلَّا یَکُوْنَ لِلنَّاسِ عَلَی اللّٰهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ ط وَکَانَ اللّٰهُ عَزِیْزاً حَکِیْماً ۝ .

تمرین

۱- برای فرستادن پیغمبر چه ضرورت است؟ واضح دارید .

۲- پیغمبر را تعریف نمائید .

۳- برای اثبات ضرورت پیغمبر دلیل که برایتان تدریس شده ذکر نمائید

۴- دلیل دوم برای اثبات ضرورت پیغمبر که در کتاب شما ذکر شده واضح دارید

گنهکاران امت او شفاعت نماید .

مثلیکه از احادیث معلوم می گردد :

حدیث : عن انس ان النبیؐ قال شفاعتی لاهل الکبائر من امتی .

ترجمه : از حضرت انسؓ روایت است که نبی صلی الله علیه وسلم فرموده است : شفاعت ما ثابت است برای اشخاص گنهکار ، گناه کبیره از امت من .

تمرین

۱ - معنی لغوی و اصطلاحی شفاعت را بیان نمائید .؟

۲ - اجازهٔ شفاعت برای کدام اشخاص داده می شود ؟

۳ - شفاعت کبریٰ را واضح سازید .

۴ - یک حدیث شریف را ذکر نمائید که از آن شفاعت محمد صلی الله علیه وسلم دربارهٔ امت گنهکار ثابت شود .

جنت و دوزخ

جنت : از جملهٔ مخلوقات خداوند ﷻ که برای مکافات مردم مطیع و فرمانبردار پیدا کرده شده است .

الله تبارک و تعالی در قرآن کریم این چنین فرموده است :

(وَسَارِعُوْا اِلٰى مَغْفِرَةٍ مِّنْ رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمٰوٰتُ وَالْاَرْضُ اُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِيْنَ)

ترجمه : چالاکی بکنید بمغفرت خداوندتان و جنت که عرضش باندازه آسمانها و زمین است ، برای پرهیزگاران تیار کرده شده است .

از صیغهٔ اعدت معلوم می شود که الله تبارک و تعالی جنت را قبلاً تیار کرده است ، از احادیث معلوم می شود که وسایل و اسباب خوشی و استراحت برای مؤمنین در جنت تیار کرده شده است که در دنیا از تعقل و تصور بالا تر است مثلیکه از آیه مبارک (لَهُمْ مَا يَشَاءُوْنَ فِيْهَا وَلَدَيْنَا مَزِيْدٌ ۝)

ترجمه : برای مؤمنین در جنت است هر آن چیزی را که بخواهند و نزد ما اضافه تر از آن است .

نعمت کلانیکه برای مؤمنین در جنت داده می شود دیدار خداوند ج است . ما آرزو داریم که الله تبارک و تعالی بفضل و مرحمت خود این نعمت بزرگ (دیدار خود را) نصیب ما بگرداند . آمین یارب العلمین .

دوزخ :- از جمله مخلوقات خداوند ج که برای مجازات اشخاص ظالم سرکش و متجاوز تیار کرده شده است

مثلیکه از آیه مبارک (فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ) ثابت می شود .

ترجمه : پس بترسید از آن آتشیکه هیزم اش مردم و سنگ است تیار کرده شده است برای کافرین .

راه نجات از آتش دوزخ و کامیابی روز قیامت فقط و فقط ایمان و تقوی (پرهیزگاری) است .

فقه

برای صنف ششم

ما باید بموجودیت ، مخلوقیت و دوام جنت و دوزخ عقیده محکم داشته باشیم طرق (راه ها) و اسباب دخول جنت و موجبات نجات دوزخ را درک وعملی نمائیم.

تمرین

۱ ـ جنت برای کدام اشخاص تیار کرده شده است واضح دارید .

۲ ـ جنت قبلاً ساخته شده و یا بعداً تیار می شود ؟

۳ ـ در جنت کدام اشیاء برای جنتیان داده می شود بیان کنید ؟

۴ ـ دوزخ برای که تیار کرده شده است واضح دارید ؟

۵ ـ راه نجات از دوزخ چه می باشد بیان کنید ؟

زکوة :

زکوة در لغت به معنی پاکی میباشد در شریعت زکوة عبارت است از دادن یک حصهٔ مال پاک به اشخاص مستحق غرض بجای آوردن قانون الهی .

حکم زکوة :

زکوة دادن در صورت تحقق شرایط فرض است . فرضیت زکوة با آیات قرآنی و احادیث نبوی ثابت است . اعراض کنندگان از دادن زکوة مستحق عذاب دوزخ و منکرین زکوة کافران هستند .

شرایط فرضیت زکوة :

۱ - اسلام : بالای کافر زکوة فرض نیست .

۲ - عقل : بالای دیوانه زکوة لازم نیست .

۳ - بلوغ : بالای صغیر زکوة لازم نیست .

۴ - مالک شدن نصاب :

نصاب آن اندازهٔ مال است که بر مالک آن شرعاً زکوة لازم

میشود . اندازهٔ نصاب بعداً شرح میگردد . برای لزوم ادا زکوة گذشتن سال بر نصاب شرط است اگر در بین سال فایدهٔ از مال حاصل شود با اصل نصاب زکوة آن یکجا لازم میشود .

مالک نصاب اگر پیش از گذشتن سال زکوة بدهد هم جائز است . نیت زکوة در دادن زکوة یک امر ضروری میباشد . اگر گیرندهٔ زکوة نداند که این مال زکوة است درصورتیکه مالک مال به نیت زکوة داده باشد درست بوده زکوة حساب میشود .

تمرین

۱ - معنی لغوی و شرعی زکوة را شرح نمائید .

۲ - در دادن زکوة نیت زکوة چه حیثیت را دارا میباشد ؟

۳ - شرایط فرضیت زکوة را واضح دارید .

(نصاب زکوة)

برای فرضیت زکوة در پنج چیز نصاب تعین شده است.

۱- **طلا** : برای فرضیت زکوة طلا مالک شدن بیست مثقال طلا شرط گردیده است پس کسیکه از بیست مثقال کمتر مالک شود زکوة آن بالای مالکش فرض نمی شود.

۲- **نقره** : نصاب زکوة نقره (۲۰۰) دوصد درهم شرعی تعین گردیده. که وزن ده درهم شرعی آن ۱/۱ برابر به (۱۴۰) مثقال میشود. (هفت مثقال میرسد. پس وزن (۲۰۰) درهم شرعی آن)

۳- **شتر** :- نصاب زکوة شتر پنج شتر چرنده تعین شده است پس اگر از پنج کمتر باشد در آن زکوة لازم نمی شود. وقتی که پنج شتر پوره شود بر مالک آن یک گوسفند زکوة لازم می شود. در دهٔ آن دو گوسفند و در پانزده (۱۵) آن سه (۳) گوسفند و در بیست شتر چهار گوسفند، وقتی تعداد شتر ها به (۲۵) برسد باز یک چوچهٔ شتر که یک سال عمر داشته باشد بر مالک آن لازم میشود

۴ - گاو : برای فرضیت زکوة گاو مالک شدن (۳۰) سی گاوی چرند شرط شده است . پس کسی که از سی گاو کمتر مالک شود زکوة در آن لازم نمی شود . وقتی که تعداد آنها به سی برسد بر مالک آن لازم میشود تا یک گوسالهٔ یکساله زکوة بدهد . این بود نصاب اقل آنها و باقی تفصیل آن در صنف دیگر ذکر خواهد شد .

نصاب زکوة گاومیش مطابق نصاب زکوة گاو میباشد .

۵ - گوسفند : برای فرضیت زکوة چهل گوسفند چرنده تعیین شده است وقتی که تا چهل گوسفند پوره نشود زکوة در آن لازم نمی شود واگر چهل گوسفند چرنده پوره شود یک گوسفند متوسط در آن لازم می شود .

تفصیل زیاده تر زکوة گوسفند بعداً ذکر می شود .

نصاب زکوة بز با نصاب زکوة گوسفند یک برابر است .

وهیچ تفاوت ندارد .

تمرین

۱- نصاب زکوة طلا چقدر تعیین شده است واضح نمائید .

۲- نصاب زکوة نقره چند درهم شرعی بکدام وزن تعیین شده است واضح سازید .

۳- نصاب ابتدائی برای فرضیت زکوة شتر چقدر تعیین شده است بیان کنید .

۴- برای فرضیت زکوة گاو چند گاو به چه صفت تعیین شده است بیان کنید .

۵- نصاب زکوة گوسفند چند گوسفند مقرر گردیده است واضح نمائید .

زکوة طلا

برای فرضیت زکوة طلا به اندازهٔ بیست (۲۰) مثقال طلا تعیین شده است. پس اگر شخصی کمتر از بیست مثقال طلا مالک شود زکوة آن بالای مالک اش لازم نمی شود وقتی که به بیست مثقال برسد و یک سال بالای آن بگذرد نیم مثقال طلا زکوة بالای مالک آن لازم میشود. اگر از بیست مثقال اضافه شود زیادت آن تا چهار مثقال معاف است وقتی که مقدار آن به چهار مثقال اضافه شد $\frac{1}{40}$ یک برچهلم حصهٔ زکوة آن با نیم مثقال زکوة لازم میشود.

اگر یک شخص مالک طلا و نقره شود و هریکی از اینها نصاب زکوة را پوره نکند هر دوی آن به لحاظ قیمت یکجا شود هر نصاب را که پوره کرد زکوة همان نصاب داده شود. و اگر نصاب هر واحد را پوره می کرد در هر نصاب که مفاد مساکین باشد زکوة همان نصاب را بدهد.

مال تجارت باید در سال یکدفعه قیمت شود و زکوة آن داده شود.

انبیاء (ع) اولوالعزم

الآیه : ﴿فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُوا الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ ط.﴾

ترجمه : صبر کن (ای محمد (ص)) مانند که صبر کرده صاحبان عزم از رسولان .

به نزد اکثر مفسرین تمام انبیاء (ع) که تعداد آنها بصورت واقعی معلوم نیست لاکن به تعداد یکصد بیست وچهار هزار کم وبیش گفته شده است صاحبان عزم استند زیراکه وظیفهٔ نبوت یک وظیفهٔ سنگین ومشکل است انجام دادن آن از قدرت هرشخص پوره نیست الله تبارک وتعالیٰ برای اجرای این وظیفهٔ سنگین اشخاص را مختار نموده است که تمام مشکلات این وظیفهٔ مقدس را بکمال افتخار واخلاص بالای خود قبول کرده واین وظیفهٔ مشکل را بانجام می رساند .

از جملهٔ تمام انبیاء (ع) نام های (۲۵) بیست وپنج نفر آنها

زکوة نقره

برای وجوب زکوة نقره مالک شدن دویست درهم که وزن ده درهم آن هفت مثقال باشد تعیین شده است اگر کسی از دویست درهم شرعی کمتر مالک شود زکوة در آن لازم نمیشود .

وقتی که به دویست درهم شرعی اضافه از احتیاجات اصلی برسد و سال بالای آن بگذرد بر مالک آن پنج درهم و در یکهزار ۲۵ درهم شرعی زکوة لازم می شود . بعد از آن که به هر اندازه درهم در ملکیت شخص اضافه می شود به حساب فوق زکوة بر صاحبش لازم میشود

در نوتها و سائر پولهای مروج مطابق نصاب نقره زکوة لازم میشود .

تمرین

۱- نصاب زکوة نقره چند تعیین شده است واضح دارید ؟

۲- نصاب زکوة طلا چقدر تعیین شده است بیان کنید ؟

۳- زکوة مال تجارت به چه ترتیب داده شود واضح نمائید ؟

۴- زکوة نوت ها چه قسم لازم میشود تشریح نمائید ؟

مستحقین زکوة

اشخاصی که مستحق زکوة میباشند قرار ذیل واضح میشود .

۱- فقیر ، ۲- مسکین ، ۳- عامل ، ۴- مکاتب ، ۵- قرضدار گرچه از قرض اضافه تر پول هم داشته باشد که پول اضافهٔ آن نصاب زکوة را پوره نکند ، ۶- در راه خدا(ج) ، ۷- مسافری که مال نداشته باشد

نوت :

۱- فقیر کسی است که چیز اندک داشته باشد . ۲- مسکین آن شخص است که هیچ چیز نداشته باشد . ۳- عامل کسی را گویند که از طرف حکومت اسلامی به گرفتن زکوة مقرر شده باشد . ۴- مکاتب آن غلام را گویند که با دارش به یک مقدار پول همرایش عقد آزادی بسته کرده باشد و بعد از پرداخت همهٔ پول تعیین شده از طرف با دار آزاد می شود .

۵- قرض داری که علاوه از قرضداری به اندازه نصاب پول نداشته باشد .

۶- در راه خدا(ج) : برای هر آنکسی که مشغول خدمت در راه خدا(ج) بود و محتاج باشد مانند جهاد و طلب علم دینی .

اشخاصی که دادن زکوة برای شان جائز نمیباشد قرار آتی بیان میگردد

۱- برای پدر ، پدر کلان ، مادر و مادر کلان خود زکوة دادن جائز نیست.

۲- برای غلام خود زکوة دادن جائز نیست هرقسم غلام که باشد

۳- برای شخص غنی ، اولاد صغیر غنی و غلام غنی زکوة دادن جائز نیست

۴- زکوة دادن زن به شوهر و از شوهر به زن اش جائز نیست .

۵- برای بنی هاشم زکوة دادن جائز نیست .

اگر به مال زکوة پل و یا مسجد ساخته شود و یا در کفن کدام مرده مصرف شود در زکوة محبرا نمیشود و زکوة برگردن آن باقی میباشد .

انتقال زکوة از یک محل به محل دیگر جواز ندارد . مگر در دو صورت جائز است :

۱ـ اگر در محل دیگر قارب محتاج زکوة دهنده باشد انتقال زکوة جائز است ؛

۲ـ ازمحل انتقال زکوة اهالی محل دیگر اضافتر محتاج باشند .

تمرین

۱ـ دادن زکوة بکدام اشخاص جایز است واضح دارید .

۲ـ بکدام اشخاص دادن زکوة جائزنیست .

۴ـ اگر به مال زکوة مسجد آباد شود درزکوة مجرا میگردد ویا نه ؟

۴ـ انتقال زکوة ازیکجای به جای دیگر جائزاست ویا نه ؟

صدقهٔ فطر
(سرمایه)

بالای هر مسلمان آزاد که مالک نصاب شرعی باشد صدقهٔ فطر لازم است صاحب نصاب (غنی) خود و صغیر غلام و کنیز خود صدقهٔ فطر نیز ادا نماید .

اندازهٔ صدقهٔ فطر : از هریک نفر به اندازهٔ نیم صاع گندم که به حساب اوزان افغانستان خورد کم یک چارک و به حساب کیلو (۲۵۰) گرام کم دو کیلو می شود ، از جو ، خرما و کشمش یک صاع پوره لازم میشود .

اگر در صدقهٔ فطر عوض اشیاء مذکور قیمت یکی از آنها داده شود . هم جائز است .

وقت لزوم صدقهٔ فطر : صدقهٔ فطر بعد از طلوع آفتاب (صبح صادق) روز عید فطر لازم می شود ، پس اگر در شب عید فطر

کدام طفل پیدا شود طبق شرایط ذکر شد صدقهٔ فطر آن لازم میشود.

واگر کدام نفر در شب عید فطر فوت شود صدقهٔ فطر آن لازم نیست ادا کردن صدقهٔ فطر قبل از ادا کردن نماز عید فضلیت دارد واگر پیش از آمدن روز عید فطر صدقهٔ فطر داده شود هم جائز است.

تاخیر کردن صدقهٔ فطر از روز عید فطر گناه دارد و بدون ادا کردن از گردن شخص ساقط نمی شود.

تمرین

۱- سرسایه (صدقهٔ فطر) بکدام شخص لازم می شود؟

۲- اندازهٔ شرعی صدقهٔ فطر چقدر است واضح شود؟

۳- صدقهٔ فطر چه وقت لازم میشود بیان کنید؟

۴- دادن قیمت اشیای بیان شده در صدقه فطر جواز دارد یا نه؟

(عشر)

دهم حصهٔ حاصلات زمین راکه الله(ج) بالای مالک زمین لازم کرده است عشر میگوید.

عشر در آن حاصلات لازم میشود که مقصود اصلی مالک آن باشد بنا برآن در کاه و امثال آن عشر لازم نیست.

زمین عشری:

آن زمین است که در وقت فتح آن به دست مسلمان ها آمده باشد و یا در وقت فتح صاحب آن زمین اسلام را قبول کرده باشد و یا قبل از فتح مسلمان باشد با این شرط که از آب چشمه، باران، دریا و یا آب سیل زمین سیر آب شود. در زمین کاریزی هم عشر لازم میشود در زمینی که بواسطهٔ دولاب و یا امثال آن سیر آب شود مثل واتر پمپ نصف عشر ($\frac{1}{20}$) حصه لازم میشود.

مستحقین عشر :

عشر و یا نصف عشر بآن اشخاص داده میشود که شرعاً مستحقین اخذ زکوة باشند که قبلاً بیان گردیده است .

ادا کردن عشر مانند ادا کردن زکوة فرض است . برای لزوم عشر نصاب شرط نیست چیزیکه از زمین حاصل میشود گرچه کم باشد و هم گذشتن سال بالای حاصلات زمین شرط نیست .

تمرین

۱ـ تعریف عشر را واضح بیان دارید .

۲ـ در کدام زمین عشر لازم میشود (زمین عشری را واضح نمائید)

۳ـ درچه نوع زمین نصف عشر لازم میشود واضح سازید .

۴ـ مستحق عشر کدام اشخاص اند بیان کنید .

پیرامون عشر در آن لازم میشود

(حج)

حج در لغت به معنی قصد کردن است و در شریعت حج عبارت است از زیارت کردن بیت الله شریف در وقت مخصوص ، با ادا کردن اعمال مخصوص.

وقت ادا کردن حج :

دو ماه و ده روز است ماه شوال (عید فطر) ماه ذوالقعده (ماه بین دو عید) و ده روز اول از ماه ذولحجه (عید قربان).

حج در تمام عمر یکمرتبه بالای آن شخص فرض میشود که شرط های فرضیت حج در آن متحقق شود.

شرط های فرضیت حج :

۱- اسلام ، ۲- بلوغ ، ۳- عقل ، ۴- صحت ، ۵- حریت (آزادی) ، ۶ - قدرت به نفقه و وسایل ادا کردن حج .

نفقه و وسایل ادا کردن حج عبارت از آن چیز های است که ادا کننده حج از آن مجبور باشد مانند ضروریات خانه و نفقه عیال

وکرایهٔ رفت و آمد حج وغیره .

برای ادا کردن حج زن ضروری ست که شوهر زن و یا کدام محرم شرعی با او همرا باشد

فرایض حج

در حج سه امور فرض است :

۱- احرام بستن .

۲- ایستاده شدن به عرفات

۳- طواف زیارت خانه کعبهٔ شریفه .

واجبات حج :

۱- پنج چیز در ادا کردن حج واجب است .

۱- سعیه کردن درین صفا و مروه

۲- حاضر شدن در مزدلفه .

در قرآن کریم ذکر شده،
که عبارت‌اند از :

۱ـ حضرت آدم علیه السلام

۲ـ حضرت ادریس " "

۳ـ حضرت نوح " "

۴ـ حضرت هود " "

۵ـ حضرت صالح " "

۶ـ حضرت ابراهیم " "

۷ـ حضرت لوط " "

۸ـ حضرت اسماعیل " "

۹ـ حضرت اسحٰق " "

۱۰ـ حضرت یعقوب " "

۱۱ـ حضرت یوسف " "

۱۲ـ حضرت شعیب " "

۳ - زدن جمرها (شیاطین)

۴ - حلق (تراشش کردن موی های سر و یا کوتاه کردن آن)

۵ - طواف صدر (طواف رخصت)

بعضی علماء واجبات حج را از پنج اضافه تر نشان داده اند لاکن حقیقت این است که واجبات اصلی حج امور ذکر شده پنج گانه است. بعضی علماء که واجبات دیگر را ذکر کرده اند مستقیماً واجبات حج نیست بلکه بکدام رکن و یا شرط و یا بکدام واجب پنجگانه ذکر شده مربوط میباشد فلهذا واجبات حج پنج است.

نقصیکه به ترک شدن کدام واجب در حج پیدا میشود، جبیره آن بدم میشود مثلیکه در نماز کدام واجب فوت شود جبیره آن به سجده سهو میشود هم چنین جبیره نقص ترک واجب حج بدم می شود.

تمرین

۱ ـ معنیٰ لغوی و شرعی حج را بیان نمائید .

۲ ـ وقت ادا کردن حج را واضح سازید .

۳ ـ شرائط فرضیت حج را بیان دارید .

۴ ـ فرائض حج را واضح بیان کنید .

۵ ـ واجبات حج چند و کدام است واضح شرح دهید .

۶ ـ جبیرهٔ ترک شدن واجب حج چه میباشد واضح سازید .

میقاتها (جاهای بستن کردن احرام حج)

برای بسته کردن احرام حج پنج مقام تعین گردیده است .

۱ ـ ذوالحلیفه برای اهل مدینه .

۲ ـ ذات عرق برای اهل عراق .

۳ ـ جحفه برای اهل شام .

۴ - قرن برای اهل نجد .

۵ - یلملم برای اهل یمن .

هر شخص که برای ادا کردن حج به مکهٔ معظمه میرود به هر یکی از میقاتهای مذکور که میگذرد باید بدون احرام از میقات نگذرد . واگر پیش از رسیدن به میقات احرام بسته شود جائز است . اشخاصیکه از میقاتها بطرف بیت الله شریف سکونت داشته باشند برای احرام حج شان حرم وبرای احرام عمرهٔ ایشان حل میقات تعیین شده است .

تمرین

۱- برای بسته کردن احرام حج چند میقات است بیان کنید .

۲ - بدون بسته کردن احرام حج از میقات گذشتن جائز است ویا خیر؟

۳ - جای بسته کردن احرام حج اهل مکه معظمه را واضح بیان نمائید .

اقسام حج

حج برسه قسم است .

۱- حج مفرد .

۲- حج قران

۳- حج تمتع

حج مفرد : آن حج است که حاجی تنها حج را بدون عمره ادا نماید

طریقهٔ ادا کردن حج مفرد قرار شرح ذیل است .

۱- قبل از بستن احرام وضوء و یا غسل شود و غسل بهتر است .

بعداً لباس احرام (لنگ و چادر) جدید و یا شسته شده را بپوشد

اگر خوشبوی موجود باشد استعمال نماید و بعداز ادا دو رکعت نماز قرار آتی نیت

حج کند (اللهم انی ارید الحج فیسره لی و تقبله منی)

و تلبیه بگوید الفاظ تلبیه این است . لبیک اللهم لبیک لاشریک لک

لبیک ان الحمد و النعمة لک و الملک لا شریک لک .

بعداز خوندن الفاظ تلبیه شخص محرم (داخل احرام) شمرده میشود . وکارهای ذیل بروی حرام میگردد :

۱- جماع ، ۲- بدی کاری ، ۳- جنگ وجدل ، ۴- شکارکردن ، ۵ اشاره کردن طرف شکار ، ۶- پوشیدن لباس های دوختگی ، ۷- پوشیدن کلاه وبستن دستار ، ۸- پوشیدن چپن ویا بالا پوش ، ۹- پوشیدن موزه لاکن اگرچپلی پیدانشود پوشیدن موزه بعداز قطع کردن پائین از شتالنگ جوازدارد ، ۱۰- پوشیدن لنگ و چادر که به اشیاء خوشبو رنگ شده باشد ، ۱۱- پوشانیدن سر وروی ، ۱۲- شستن سر وروی به خطمی وامثال آن ۱۳- تراش ویاکوتاکردن موی های سر و روی ، ۱۴- قطع کردن ناخون ها ۱۵- قطع کردن گیاه حرم .

وقتی که حاجی داخل مسجدالحرام شود و بیت الله شریف رابیند تکبیر وتهلیل بگوید و به طرف حجرالاسود برود روبرو به حجرالاسود ایستاده شود وتکبیر (الله اکبر) بگوید ودست ها رامثل تکبیر تحریمه نماز تانرمی گوش ها

بالا نماید . اگر قدرت بوسه و یا لمس کردن حجر الاسود را بدون ضرر شخص دیگر داشت بوسه
و یا لمس کند بعداً از طرف راست کعبه شریف شروع به طواف کند و هفت
(۷) دفعه از بیت الله شریف طواف (گردش) نماید در حال طواف
چادر آن باید زیر دست راست و بالای شانهٔ چپ انداخته شده باشد .
و در طواف حطیم که نام یک مقام است داخل شود .
در هر گردش که از حجر الاسود میگذرد در صورت قدرت بوسه و یا لمس کردن
حجر الاسود لازم است و در غیر آن روبروی حجر الاسود تکبیر گفتن با بالا کردن
دست ها تا نرمی گوش ها کفایت می کند و بعد از هفت گردش در صورت قدرت
در مقام ابراهیم دو رکعت نماز خوانده شود و اگر قدرت نداشت در هر مقام
مسجد الحرام که نماز ادا شود درست است این طواف که ذکر شد بنام طواف
قدوم یاد میشود و خاص برای مردم اطراف است نه برای مردم اهل مکه .
بعداً به طرف صفا رفته بالا صفا روبروی بیت الله شریف
ایستاد شود تکبیر و تهلیل و درود برسول الله صلی الله علیه وسلم گوید و چیزی را که

میخواهد از خداوند جلّ جلاله بخواهد بعد به طرف مروه رفته در بین میلین اخضرین سعیه نماید وقتی که به مروه رسید بالای مروه مانند عملیکه در صفا انجام داده است عمل نماید. به همین ترتیب هفت گردش را پوره کند که از صفا شروع و به مروه ختم میشود. بعداً تا روز هشتم ذوالحجه در مکه بوده و بعد از ادای نماز صبح روز هشتم به منی میرود تا ادا کردن نماز صبح روز عرفه در منیٰ میباشد و بعد از ادای نماز صبح به عرفات میرود در عرفات نماز پیشین و دیگر را بعد از زوال به یک اذان و دو اقامت در صورت تحقق جماعت خفیه ادا کند.

تمام عرفات جای ایستاده شدن است بدون عرنیته. بعد از غروب آفتاب از عرفات به مزدلفه برود قریب کوه قزح نماز شام و خفتن را به یک اذان و یک اقامت جهراً ادا کند. تمام مزدلفه جای ایستادن است بدون وادی محسر.

بعد از ادای نماز صبح در مزدلفه به طرف منیٰ برود وقتی که به منیٰ رسید.

جمرهٔ عقبه را به هفت (۷) سنگریزه که از مزدلفه با خود برده بزند و با هر بار زدن تکبیر بگوید بعداً ذبح کند و بعد از ذبح موی های سر خود را تراش و یا کوتاه کند با اجرای اعمال فوق از احرام می برآید، تمام امورات ممنوعه احرام بدون جماع برایش حلال میگردد.

بعداً به مکهٔ معظمه رفته طواف نماید مثل طواف قدوم این طواف را طواف زیارت نیز میگویند و همین طواف در حج فرض است.

در طواف قدوم اگر سعیه را نکرده باشد در طواف زیارت سعیه نماید. بعد از ادا کردن طواف زیارت حرمت جماع هم از بین میرود. بعداً به منا برود روز دوهم هر سه جمره را به هفت، هفت سنگریزه بزند.

اول جمره اولی که به طرف حرم شریف واقع است بعداً جمرهٔ وسطی و در آخر جمرهٔ عقبه را بزند و با زدن هر دفعه تکبیر (الله اکبر) بگوید.

روز سوم عید بعد از زوال هر سه جمره را به ترتیب سابق بزند.

بعداً اگر شب را در منی گذشتاند برای صبح هر سه جمره را به ترتیب ذکر شده

بزنند واگر شب را در منیٰ نگذشتانند ورفت باکی ندارد .

طواف رخصت :-

هر وقت که شخص بطرف مسکن (خانه) خود حرکت میکند . باید به بیت الله شریف برود مثل طواف های گذشته از بیت الله شریف طواف کند این طواف را طواف صدر وهم طواف رخصت میگویند و این طواف واجب است .

طواف رخصت وهم طواف قدوم بالای اهل مکه نیست بلکه بالای مردم اطراف است .

زن مانند مرد تمام اعمال حج را اجرأ می نماید لاکن سر خود را لوچ نمیکند تلبیه را خفیه میخواند در طواف به رفتار آهسته میرود . در بین میلین اخضرین صفا و مروه نمی دود ولباس های دوختگی را می پوشد .

تمرین

۱ - اقسام حج چند است نام های آنرا ذکر کنید ؟

۲ - نیت حج مفرد را واضح بیان نمائید ؟

۳ - حاجی در کدام وقت محرم شمرده میشود ؟

۴ - الفاظ تلبیه را ذکر کنید .

۵ - طواف چند گردش است و از کجا شروع میشود .

۶ - بکدام روز حاجیان به منیٰ و چه وقت حرکت میکنند

۷ - حاجیان چه وقت و بکدام روز به عرفات حرکت می نمایند

۸ - کدام جای ها در عرفات شامل نیست .

۹ - کدام دو نماز در یک وقت ادا میشود .

۱۰ - جمره ها چند میباشد و هریکی از آنها به چند سنگریزه زده میشود

۱۱ - زن به کدام ترتیب حج را ادا نماید واضح سازید ؟

۱۲ - طواف قدوم و طواف زیارت را کدام اشخاص ادا می نماید ؟

۱۳ - حضرت ایوب علیہ السلام

۱۴ - حضرت ذوالکفل " "

۱۵ - حضرت موسیٰ " "

۱۶ - حضرت ھارون " "

۱۷ - حضرت داؤد " "

۱۸ - حضرت سلیمان " "

۱۹ - حضرت الیاس " "

۲۰ - حضرت الیسع " "

۲۱ - حضرت یونس " "

۲۲ - حضرت زکریا " "

۲۳ - حضرت یحییٰ " "

۲۴ - حضرت عیسیٰ " "

۲۵ - حضرت محمد صلی اللہ علیہ وسلم

(حج قران)

حج قران حج است که حاجی نیت عمره و حج را یکجای بسته کند به این ترتیب (اللهم انی ارید الحج والعمرة فیسرهما لی وتقبلهما منی) ترجمه : ای خدا من ارادهٔ ادای حج وعمره هر دو را کردم هر دو را برایم آسان و قبول کن .

بعداً مانند حاجی مفرد تلبیه میگوید بعد از گفتن تلبیه محرم شناخته میشود . وقتی که به مکهٔ معظمه برسد عمره را ادا میکند و در احرام باقی میباشد تا که روز هشتم (۸) ماه ذوالحجه برسد یعنی روز هشتم ذوالحجه رسید اعمال ومناسک حج را مانند حج مفرد ادا میکند . حج قران با حج مفرد همین قدر فرق دارد که در حج مفرد عمره نیست و در حج قران عمره وحج است عمره هر دو به یک نیت بدون حلال کردن در بین حج و عمره ادا میشود .

حج تمتع

حج تمتع عبارت از آن حج است که حاجی از میقات و یا قبل از میقات تنها نیت عمره را بکند به این ترتیب .

اللهم انی ارید العمرة فیسرها لی وتقبلها منی

ترجمه : ای خدایا من ارادهٔ اداکردن عمره را کردم پس برایم آسان بگردان و از نزدم قبول کن . بعد از اداکردن عمره خود را حلال میگرداند تا وقت آمدن روز هشتم ذوالحجه در مکه حلال و آزاد میگردد و به عبادت خالق خود مشغول میباشد روز هشتم ذوالحجه احرام تنها حج را از حرم بسته میکند و مانند حج مفرد مناسک حج را ادا می نماید . فرق در بین حج قران و حج تمتع فقط همین است که در حج قران حج وعمره هردو به یک نیت ادا میشود و در بین شان حاجی خود را حلال نمیکند و در حج تمتع ادا کردن عمره به یک نیت و اداکردن حج به نیت دیگر میباشد حاجی بعد از اداکردن عمره خود را حلال میکند تا روز هشتم مثل که در فوق ذکر شد .

شکریهٔ حج قران و تمتع

هرکه را الله ﷻ توفیق ادا کردن حج قران و یا حج تمتع نصیب کند بالایش شکریهٔ این نعمت کلان لازم است .

شکریهٔ حج قران و حج تمتع حلال کردن یک حیوان و یا هفتم حصهٔ حیوان است مانند قربانی و اگر کدام شخص قدرت این را نداشت پس ده (۱۰) روز روزه بگیرد که سه (۳) روز آن در ایام حج و هفت روز آن بعد از ادا حج میباشد .

تمرین

۱- تعریف حج قران را واضح سازید ؟

۲- نیت حج قران را بیان کنید ؟

۳- در حج قران بین عمره و حج حلال کردن است و یا نه ؟

۴ـ تعریف حج تمتع را بیان کنید ؟

۵ـ نیت حج تمتع را بیان کنید ؟

۶ـ فرق بین حج تمتع و حج قران چیست واضح سازید ؟

۷ـ بالای حاجی قران و حاجی تمتع چه لازم می شود ؟ واضح سازید ؟

جنایات حج

جنایت آن عمل را می گویند که شرعاً ممنوع قرار داده شده باشد .

جنایات هفت (۷) نوع است .

۱- تراشیدن و یا قطع کردن موی ها .

۲- قطع کردن ناخن ها .

۳- پوشیدن کالای دوخته شده .

۴- وطی و یا دواعی آن .

۵- خوشبوئی استعمال کردن .

۶- بر تیل زیتون و یا مثل آن خود را چرب کردن .

۷- شکار حیوانات خشکه .

بحرالرائق نوع هشتم را هم ذکر کرده که آن ترک نمودن کدام واجب از واجبات حج است.

در وقت ادا کردن حج اگر از کدام شخص جنایت صادر شود برای جبیرهٔ آن بالایش کفاره لازم می شود.

کفاره گاه یک گوسفند و گاه دو گوسفند می باشد اگر از حاجی قارن جنایت صادر شود بالای او دو گوسفند کفاره لازم است که جبیرهٔ جنایت او بگردد.

و در دو جای بدنه لازم می شود.

۱- بعد از استاده شدن بعرفات و قبل از حلق جماع کردن.

۲- در حالت حیض، نفاس و جنایت طواف زیارت کردن.

برای کفارهٔ بعضی جنایات روزه گرفتن کافی می شود و کفارهٔ بعضی جنایات

بصدقه هم صحت می یابد .

صدقه بصورت عمومی از نصف صاع گندم و یا قیمت نصف صاع گندم کم نمی باشد لاکن صدقه کشتن ملخ ، شپش و امثال آن از نصف صاع گندم کم تر هم کفایت می کند .

شکار یکه قیمت آن از قیمت گوسفند کم باشد کفاره او به اندازه قیمتش لازم می شود . و دو نفر ماهر در فن و عادل قیمت او را تعیین نمایند .

تمرین

۱ـ تعریف جنایت را واضح بیان نمائید ؟

۲ـ تعداد جنایات حج چند است فقط اندازه تعداد آنرا ذکر کنید ؟

۳ـ جبیره جنایت حج چه چیز واقع می شود شرح دهید ؟

۴ـ درچند جای بدنه لازم می شود واضح سازید ؟

۵ - صدقهٔ جنایات حج بصورت عموم چقدر می باشد . واضح دارید؛

عمره

عمره عبارت است از احرام طواف بیت الله شریف، سعی و حلق یا قصر موهای سر .

احرام برای عمره شرط است و طواف بیت الله رکن عمره میباشد و متباقی اشیاء ذکر شده از جملهٔ واجبات عمره است .

عمره در تمام عمر یک مرتبه سنت مؤکد است و بعضی علماء عمره را واجب می دانند .

احکام احرام عمره مانند احکام حج است پس از کسیکه در احرام عمره جنایتی صادر شود که در احرام حج دم را لازم می گرداند در احرام عمره هم دم را لازم می گرداند .

اما فرق ازین قرار است که حج فرض است و عمره فرض نیست و برای ادای حج یک وقت معین مقرر گردیده شده است اما عمره در هر وقت ادا شده می تواند لاکن ادا و کردن عمره در روز عرفه و چهار روز بعد از عرفه مکروه تحریمی می باشد

تمرین

۱- اعمال عمره کدام چیز ها است واضح دارید ؟

۲- رکن عمره چه می باشد واضح سازید ؟

۳- وقت ادا کردن عمره کدام وقت است واضح سازید ؟

۴- اگر از کسی در احرام عمره جنایت صادر شود کفاره بالای عمره کننده لازم می شود و یا نه واضح سازید ؟

زیارت قبر مبارک حضرت محمدؐ

حضرت محمدؐ بندهٔ خدا(ج) در سلسلهٔ انبیاء بهترین تمام انبیا میباشد

کسیکه خود را امتی محمدؐ می شمارد باید بتمام معنی پیرو او باشد .

کامیابی خود و جامعه را در متابعت و عملی ساختن احکام دین

و شریعت او طلب نماید علاقه و محبت او با محمدؐ به اندازهٔ باشد که

محبت پدر ، مادر ، زن ، اولاد و مال در مقابل محبت محمدؐ

حائل و مانع واقع نگردد ، مثل که ازاین حدیث شریف معلوم میشود

: قال رسول اللهؐ (لا یؤمن احدکم حتی اکون احب

الیه من والده و ولده والناس اجمعین)

ترجمه : رسول الله فرموده است . مومن نمیشود یکی از شما تا که ما

برایش دوستر نباشیم از پدر ، اولاد و تمام مردم .

بنفس رسالت تمام انبیاءؑ بدون تعیین و تعداد
ایمان آوردن یک امرلازمی وضروری است اگرچه درجه ومرتبهٔ
بعضی انبیاءؑ بالای بعضی از آنها بلند می باشد.

بعضی علماء انبیایؑ صاحبان عزم را شش(٦) نفر
معرفی کرده است که نام های شان قرار ذیل است .

١ـ حضرت آدم علیه السلام

٢ـ حضرت نوح علیه السلام

٣ـ حضرت ابراهیم علیه السلام

٤ـ حضرت موسیٰ علیه السلام

٥ـ حضرت عیسیٰ علیه السلام

٦ـ حضرت محمد مصطفیٰ صلی الله علیه وسلم .

به نظر بعضی علماء انبیایؑ صاحبان عزم پنج (٥) نفر استند
حضرت آدم علیه السلام را ازجملهٔ انبیایؑ صاحبان عزم نمی شمارند .

برای یک شخص که ملاقات واقعی این چنین دوست میسر نشود بزیارت کردن قبر او هم یکنوع تسلی و اطمینان قلبی حاصل میشود. در زیارت کردن قبر از چوکات شرعی تجاوز نشود.

در بارهٔ زیارت کردن قبر محمدؐ بسیار احادیث ذکر شده است بعضی از آنها قرار آتی ذکر می شود:

طحطاوی شرح نورالایضاح که یکی از جملهٔ کتابهای عمدهٔ علم فقه شمرده می شود احادیث را در بارهٔ زیارت قبر مبارک محمدؐ ذکر کرده است که مطلب آن ذیلاً تحریر می شود:

۱- حضرت محمدؐ فرموده است کسیکه بعد از مرگ من زیارت مرا بکند شفاعت من برایش واجب است.

۲- حضرت محمدؐ فرموده کسیکه قدرت داشته باشد و زیارت مرا

نکند با من جفا کرده .

۴ـ حضرت رسول اکرم فرموده است : کسیکه بعد از مرگ من زیارت مرا بکند مثلیکه در حیات من زیارت مرا کرده باشد .

تمرین

۱ـ محبت مسلمان با حضرت محمدؐ به چه اندازه باید باشد ؟

۲ـ زیارت قبر حضرت محمدؐ در کدام چوکات صورت یابد ؟

۳ـ در بارهٔ زیارت کردن قبر حضرت محمدؐ یک حدیث شریف را بیان کنید ؟

آداب زیارت قبر حضرت محمد(ص)

آداب زیارت قبر حضرت محمدؐ از کتاب نورالایضاح و شرح آن طحطاوی که هر دو کتابهای عمده علم فقه شمرده می شود قرار ذیل اخذ شده است :

کسیکه قصد زیارت قبر حضرت محمدؐ را بکند درود بر محمدؐ بخواند و وقتیکه دیوارهای مدینهٔ منوره برایش ظاهر شود درود و سلام بر محمدؐ بخواند و بعداً بگوید یا الله(ج) این حرم نبی و جای نزول وصی شما است مرا براستی درین جا داخل کن از روی احسان و کرم خود کامیابی ـ درین را بشفاعت محمدؐ برایم نصیب بگردان و داخل مسجد شود دو رکعت نماز را قریب منبر ادا کرده واز خدای خود هر چه که می خواهد بخواهد .

بعداً بقبر مبارک حضرت محمدؐ برود به اندازه چهار متر دورتر از قبر به

برابری سر رو بروی قبر ایستاده شود طبعاً پشت آن طرف قبله می شود و بگوید : السلام علیک یا رسول الله . السلام علیک یا نبی الرحمه ، السلام علیک یا شفیع الامه ، السلام علیک یا خاتم النبیین .

ما شاهدی می دهیم که تو رسول خدا هستی ، امانت خود را بصورت صحیح به انجام رسانیدی . ما از جاهای بسیار دور بقصد زیارت شما آمدیم . خواستار شفاعت شما هستیم که بیرکت شفاعت شما کامیاب شویم پس شفاعت مرا بکن .

بعداً به قبر حضرت ابوبکر صدیق مطابق شرح گذشته استاده شود و بگوید

السلام علیک یا خلیفة رسول الله یا صاحبه فی الغار و رفیقه فی الاسفار و امینه علی الاسرار . سَلِ اللهَ سُبحانَهُ لَنا الحُسنیٰ مع حزبک .

بعداً مثل بیان گذشته به قبر حضرت عمرؓ ایستاده شود و بگوید!

السلام علیک یا امیر المومنین . یا مظهر الاسلام .

جزاک الله افضل الجزاء لقد نصرت الاسلام والمسلمین

بعداً برای خود ، پدر ، مادر ، دوستان ، اقرباء وتمام مؤمنین دعاء خیر نماید .

تا وقتیکه در مدینه منوره سکونت داشته باشد در عبادت خداوند حتی الوسع کوشش نماید و از آثار محمدؐ تبرک را حاصل کند .

تمرین

۱- در حالت قصد زیارت قبر محمدؐ چه گفته شود؟

۲- وقتیکه دیوار های مدینه منوره برای زیارت کننده ظاهر شود چه بگوید؟

ABIG
B
6421
IUA
IZ1 v.17

طبع اول

سال طبع سنبله ۱۳۶۷ تعداد طبع (۱۰۰۰۰)

مدیریت نصاب مرکز تعلیمی

۴- وقتیکه شخصی داخل مسجد نبوی شود کدام عمل را اجراء نماید؟

۵- شخصیکه به قبر محمدؐ استاده شود چه بگوید ؟

۵- به قبر حضرت ابوبکر الصدیق که ایستاده شود چه بگوید ؟

و متباقی پنج نفر را از جملهٔ شش نفر انبیای(ع) ذکره شده انبیای صاحبان عزم میدانند .

تمرین

۱- تعداد تمام انبیاء(ع) چند است واضح دارید ؟

۲- انبیای(ع) اولوالعزم کدام انبیا استند ؟

۳- در قرآن کریم نام های چند پیغمبر(ع) ذکر شده واضح دارید؟

۴- ایمان بر انبیاء(ع) یکسان است و یا تفرقه دارد ؟

انبیاء(ع) معصوم اند

انبیاء(ع) معصوم اند زیراکه برای انبیاء(ع) دو حالت می باشد :

۱- حالت زندگانی انبیاء(ع) پیش از ظاهر شدن منصب رسالت و نبوت .

۲- حالت زندگانی انبیاء(ع) بعد از ظهور و ثبوت منصب رسالت و نبوت و انبیاء(ع) در هر دو حالت معصوم اند . هم از گناه کبیره و هم

هنوزهم متلاطم گردیده و بتأسی از دستورات رب العزت که ارشاد فرموده (وجاهدوفی الله حق جهاده آیه ۷۸ سوره حج) یعنی جهاد کنید برای خداوند (ج) طوریکه شایسته اوست. جهاد حق علیه باطل را در پرتو ارشادات عالی تعالیم اسلام ادامه دهیم ومشعل فروزان دانش اسلامی را در مسله جهاد علمی و مسلحانه تقویه نمائیم.

هموطنان عزیز شما مسبوق هستید که شاگردان عرفان اسلام از دوتوع کتب مربوط دو اتحاد اسلامی قبلی مستفید بودند رهبران محترم تمام تنظیم ها به منظور جلو گیری از تشتت افکار فرزندان مجاهدین علم دوست و سربکف افغانستان درین او اخر به مسئولین تعلیم و تربیه مربوطه خود صلاحیت و هدایت دادند تا از تمام مضامین و علوم شامل نصاب تعلیمی برای صنوف مختلف یک نوع کتب طبع و به دسترس فرزندان مجاهدین ومهاجرین قرار بدهند که از نظر محتوا و مفهوم به دین مقدس اسلام شریعت غرای محمدی و مذهب مهذب حنفی مغایریت نداشته و مورد قبول تمام اقشار مجاهد و مهاجر مسلمان افغانستان عزیز باشد.

به این اساس شورای عالی هم آهنگی تعلیم و تربیه تشکیل گردید و مورد تائید همه رهبران محترم قرار گرفت.

شورای عالی هم آهنگی تعلیم و تربیه مذکور اداره مرکز تعلیمی افغانستان را تأسیس نموده که دارای شعبات ذیل (مدیریت نصاب تعلیمی، مدیریت تدریسی و نظارات، مدیریت پلان، و ارتباط خارجی، مدیریت اجرئیه، مدیریت مالی، مدیریت تربیه معلم، ومدیریت سواد آموزی) میباشد.

منسوبین این مرکز را متخصصین تعلیم و تربیه و اشخاص مجرب از تمام تنظیم های جهادی تشکیل میدهدکه مجدانه و متحدانه در مورد پیاده کردن تعلیم و تربیه اسلامی و توحید نمودن نصاب تعلیمی سعی و مجاهدت

بی شائبه مینماید

بعد از بحث و مشوره متخصصین نصاب تعلیمی در مورد تهیه کتب درسی مضامین مختلفه به این نتیجه رسیدند که نظر به شرایط دشوار جهادی و عدم وقت کافی کتب درسی مضامین مختلفه دو اتحاد اسلامی را که قبلاطرف استفاده بود باهم مقایسه و مطالب اهم آنرابا در نظر داشت دشواری قید زمان تدریس در عالم مجاهدت و مهاجرت انتخاب نمایند.

لذا مدیریت نصاب تعلیمی مرکز تعلیمی افغانستان مسرت دارد که موقع یافت تا تمام کتب مضامین مختلفه درسی تنظیم های جهادی را که از طریق نصابهای تعلیمی مختلفه طبع شده بود مقایسه نمود. مطالب وعناوینی را که از نقطه نظرسطح دانش فهم شاگران و شرایط جهادی از نگاه تعلیم‌وتربیه سهل تر و آموزنده تر بود انتخاب و در معرض چاپ قرارداد.

السلام مع الاکرام

مدیریت نصاب تعلیمی اداره مرکز تعلیمی افغانستان

اهداف نصاب تعلیمی مرکز تعلیمی افغانستان

هدف عمومی : توحید نمودن نصاب تعلیمی تمام تنظیم های جهادی و بوجود آوردن تعلیم و تربیه خاص و جامع اسلامی که ضد هر نوع باطل پرستی و بدعت ها بوده و همچنین استحکام بخش مفاهیم و قوانین کلی اسلامی در جامعه اسلامی افغانستان باشد .

هدف خصوصی : تدریس توحید و وحدانیت به سپاهیان اسلام و رهروان راه حقیقت است تا متمسک سنن و قوانین عالی و معقول شرع انور طرد ایم و قایم گردند این نصاب متضمن آسایش و سواد اسلامی بادونظر داشت و جایب و شرایط جهادی، فلسفی، اقتصادی، فرهنگی، تخنیکی، مدنی و معیشتی بوده و در عین حال مسئل پیوند و اتصالات ناگسستنی باجهان اسلام و مبین فلسفه مقدس اسلام عزیزمی باشد .

هدف نهائی : اعلای کلمة الله، نشان دادن عظمت و شان اسلام به جهانیان اضمحلال کمونیزم در افغانستان و جهان و مبارزه باطاغوطیان زمان بر اساس مبانی و اصول قوانین قرآن عظیم الشان شریعت غرای محمدی و فقه حنیف حنفی در راه حصول رضای خداوند (ج) می باشد .

((وَمِنَ اللهِ التَوفِيقُ))

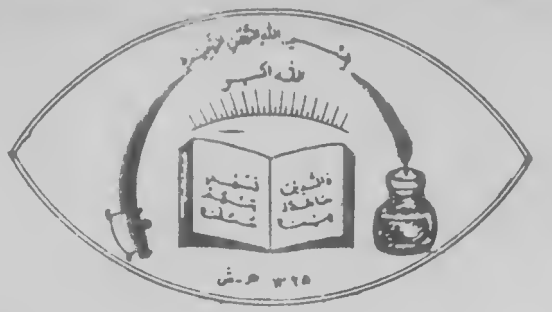

اتحاد اسلامی مجاهدین افغانستان

مرکز تعلیمی افغانستان

مدیریت نصاب

عقاید و فقه

برای صنف ششم

لا إله إلا الله محمد رسول الله

عقاید

برای صنف ششم

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بسم الله الرحمن الرحيم

رب زدني علما

قال صلى الله عليه وسلم :

فرموده است حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم ،

رضيت

راضی هستم

بالله ربا و

که الله پروردگار ما است و

بالإسلام دينا و

اسلام دین ما است و

بمحمد نبيا ورسولا

محمد صلی الله علیه وسلم نبی و رسول ما است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ وَالصَّلٰوةُ وَالسَّلَامُ عَلٰى رَسُوْلِهِ الْكَرِيْمِ

يَرْفَعِ اللّٰهُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مِنْكُمْ وَالَّذِيْنَ اُوْتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ

جز (۲۸) سوره مجادله آیه (۱)

ترجمه: خدا وند(ج) بلند میسازد درجات ایمان داران را از شما وکسانی را که به ایشان دانش روزی گردانیده است .

ازفحوای آیه کریمه استنباط میشود که هیچ نوع کیفیات حسنه برجسته و بالاتر از علم و دانش وجود ندارد. اهمیت تعلیم و تربیه در دین مقدس اسلام بحدی است که اولین کلمات وحی سماوی (اقرا باسم ربک الذی خلق) میباشد بهین اساس موضوع پرورش روحی و تربیت فکری اسلامی، اقتصاد، سیاست، عبادات، اخلاقیات و حقوق بشری در لابلای تعلیم و تربیه قرآنی موضوعاتیست که در راس همه مسائل قرار میگیرد.

ما ربروان راه وحدانیت در دشوار ترین شرایط هجرت زمینه و امکانات آموزش اسلامی را بلطف خداوند (ج) طوری مساعدخواهیم ساخت که در راه حصول رضای رب الارباب هیچ نوع قدرتی درمقابل تصمیم و اراده مقدس وخلل ناپذیر و فولادین ماسد شده نخواهد توانست. تمام اعمال وحشیانه و غیر انسانی کمونیزم بی هدف ازقبیل قتل عام، زنده به گورکردن چور وچپاول به آتش کشیدن مزارع وخانه ها تخریب و انهدام مساجد شریف مدارس و اماکن مقدسه استعمال گازات سمی و پروپاگند های شباروزی در مملکت عزیزما افغانستان فقط و فقط علل تأخیر در تعمیل تصمیم گیریهای ماست وبس.

ملت مسلمان افغانستان که متمسکین حبل المتین و متعهدین کلام ربانیست دریای خشم انرجارشان .